

فصلنامه رهیافت‌های نوین در مطالعات اسلامی

License Number: 85625 Article Cod: SH20RQ49913 ISSN-P: 2676-6442

بررسی اثرات رویکردهای آموزش و پرورش تطبیقی بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان مطالعه موردی "دیرستان های کرمانشاه"

(تاریخ ارسال مقاله ۱۴۰۳/۰۷/۲۵ تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۰۹/۲۳)

دکتر مریم اسلام پناه^۱

استادیار، گروه علوم تربیتی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

کبری فتحی

دانشجوی دکترا مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

مریم کاظمی

دانشجوی دکترا مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

چکیده

مطالعه‌ای در ایران، تأثیر روش‌های آموزشی بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان ۱۵ تا ۱۶ ساله را بررسی کرد. ۱۰۵ دانش آموز در این نظرسنجی شرکت کردند. یافته‌ها نشان داد که ۵۵٪ دانش آموزان چندین تغییر مدرسه را تجربه کرده‌اند که ممکن است بر یادگیری آنها تأثیر بگذارد. در حالی که ۵۰٪ کیفیت آموزش را خوب یا عالی ارزیابی کردند، ترجیحات به سمت روش‌های پیشرو (۳۰٪) متمایل شد. ۴۰٪ گزارش کردند که تغییر رویکردهای آموزشی تأثیر مثبتی داشته است. این مطالعه همچنین بر نیاز به برنامه‌های درسی پویاتر، بازخورد مؤثرتر، و ادغام بهتر فناوری تأکید کرد. علاوه بر این، اهمیت یادگیری مشارکتی، توسعه شخصی و آمادگی برای چالش‌های دنیای واقعی را برجسته کرد. در نتیجه، این مطالعه از یک رویکرد آموزشی متعادل حمایت می‌کند که روش‌های سنتی، پیشرو و فردی را برای بهبود عملکرد تحصیلی و پاسخگویی به نیازهای مختلف دانش آموزان ترکیب می‌کند.

واژگان کلیدی: آموزش تطبیقی، عملکرد تحصیلی، رویکردهای آموزشی، مشارکت دانش

آموزان، روش‌های تدریس

مقدمه

آموزش و پرورش یکی از عوامل تعیین کننده توسعه اجتماعی-اقتصادی کشورهاست و رویکردهای مختلف به تدریس و یادگیری می‌تواند تأثیرات قابل توجهی بر نتایج تحصیلی دانش‌آموزان داشته باشد. آموزش تطبیقی که به بررسی نظام‌های آموزشی، سیاست‌ها و عملکردهای آموزشی در کشورهای مختلف می‌پردازد، بینش‌های ارزشمندی در مورد اثربخشی راهبردهای آموزشی متنوع ارائه می‌دهد. این مطالعه بر اثرات رویکردهای آموزش تطبیقی بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان، به ویژه در مدارس ایران تمرکز دارد. این پژوهش با بررسی تأثیر راهبردهای آموزشی مختلف بر نتایج دانش‌آموزان، به دنبال مشارکت در گفتمان مداوم درباره بهبود کیفیت و اثربخشی آموزش است. مفهوم آموزش تطبیقی ریشه در این شناخت دارد که عملکردها و نتایج آموزشی در زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی مختلف، متفاوت هستند. در سال‌های اخیر، مطالعات متعددی به مزایای بالقوه اتخاذ راهبردهای آموزشی متنوع متناسب با زمینه‌های خاص پرداخته‌اند. به عنوان مثال، مطالعه‌ای توسط موزا و همکاران^۱ (۲۰۲۰) نشان داد که رویکردهای آموزش تیمی، در مقایسه با روش‌های سنتی تک معلمی، به طور قابل توجهی عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان را بهبود بخشید (موزا و همکاران، ۲۰۲۰). به طور مشابه، ادغام فناوری و پلتفرم‌های یادگیری آنلاین تأثیرات مثبتی بر تعامل و عملکرد دانش‌آموزان داشته است، همانطور که توسط تحقیقات انجام شده توسط خوارز و همکاران^۲ (۲۰۲۲) نشان داده شده است (خوارز و همکاران، ۲۰۲۲). این مطالعات بر نیاز به بررسی و اجرای رویکردهای آموزشی نوآورانه برای بهبود نتایج یادگیری تأکید می‌کند.

^۱ Muza et al

^۲ Juarez et al

بخش اول: کلیات

رویکردهای آموزش تطبیقی با بررسی و ادغام شیوه‌های آموزشی متنوع از زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی-اقتصادی مختلف، دیدگاه منحصر به فردی برای بهبود نتایج آموزشی ارائه می‌دهند. تمرکز اصلی این مرور ادبیات، بررسی تأثیر این رویکردها بر عملکرد تحصیلی است، با برجسته کردن یافته‌های تحقیقات اخیر و پیامدهای آن‌ها برای سیاست‌ها و عملکردهای آموزشی. این مرور، بینش‌هایی را از مطالعات مختلف انجام شده از سال ۲۰۲۰ ترکیب می‌کند و درک جامعی از اثربخشی رویکردهای آموزش تطبیقی ارائه می‌دهد.

بند اول: چارچوب مفهومی و پیشینه تاریخی

آموزش تطبیقی شامل مطالعه نظام‌مند سیستم‌ها، عملکردها و نتایج آموزشی در کشورهای و فرهنگ‌های مختلف است. هدف آن شناسایی بهترین شیوه‌ها و نوآوری‌هایی است که می‌توانند برای بهبود کیفیت آموزشی و عملکرد دانش‌آموزان در سطح جهانی تطبیق داده شوند. پاول^۱ (۲۰۲۰) بر اهمیت آموزش تطبیقی در تقویت درک جهانی از چالش‌ها و راه‌حل‌های آموزشی تأکید می‌کند و استدلال می‌کند که افزایش رقابت و همکاری بین موسسات آموزشی می‌تواند منجر به پیشرفت‌های قابل توجهی در تدریس و یادگیری شود (پاول، ۲۰۲۰). این ارتباط متقابل امکان تبادل ایده‌ها و عملکردهایی را فراهم می‌کند که می‌توانند متناسب با زمینه‌های آموزشی خاص باشند و در نتیجه چشم‌انداز کلی آموزشی را بهبود بخشند. تکامل آموزش تطبیقی شاهد تغییر از مطالعات صرفاً توصیفی به تحقیقات تحلیلی و ارزیابی بیشتر بوده است. این تغییر بسیار مهم است زیرا امکان درک عمیق‌تر از روابط علی بین عملکردهای آموزشی و نتایج دانش‌آموزان را فراهم می‌کند. مطالعات اخیر بر روی کاربرد رویکردهای مختلف آموزش تطبیقی، مانند قضاوت تطبیقی (ACJ) و الگوریتم‌های داده کاوی، برای ارزیابی و پیش‌بینی عملکرد تحصیلی متمرکز شده‌اند. به عنوان مثال، کیمبل^۲ (۲۰۲۱) قابلیت اطمینان قضاوت تطبیقی را به عنوان یک ابزار ارزیابی بررسی می‌کند و بر پتانسیل آن برای ارائه ارزیابی‌های جامع‌تر و بی‌طرفانه‌تر از کار دانش‌آموزان تأکید می‌کند (کیمبل، ۲۰۲۱).

۱ Powell

۲ Kimbell

بند دوم: تأثیر بر عملکرد تحصیلی

تأثیر رویکردهای آموزش تطبیقی بر عملکرد تحصیلی، نقطه کانونی تحقیقات اخیر بوده است. چندین مطالعه اثرات مثبت این رویکردها را بر نتایج دانش آموزان نشان داده‌اند. موزا و همکاران (۲۰۲۰) یک مطالعه شبه آزمایشی را برای بررسی تأثیر تدریس تیمی بر عملکرد تحصیلی دانشجویان دانشگاه‌های نیجریه انجام دادند. این مطالعه نشان داد که دانش آموزانی که در معرض تدریس تیمی قرار می‌گیرند، به طور قابل توجهی بهتر از دانش آموزانی که توسط یک معلم واحد تدریس می‌شوند، عمل می‌کنند، که نشان می‌دهد روش‌های تدریس مشارکتی می‌توانند یادگیری دانش آموزان را افزایش دهند (موزا و همکاران، ۲۰۲۰). در مطالعه دیگری، عارفین و همکاران^۱ (۲۰۲۱) الگوریتم‌های مختلف داده کاوی آموزشی را برای پیش‌بینی عملکرد تحصیلی در مؤسسات عالی مقایسه کردند. این مطالعه الگوریتم درختان تقویت‌شده گرادیان را به عنوان مؤثرترین الگوریتم در پیش‌بینی عملکرد دانش آموزان شناسایی کرد و بر پتانسیل رویکردهای مبتنی بر داده برای بهبود نتایج آموزشی تأکید کرد (عارفین و همکاران، ۲۰۲۱). این یافته‌ها بر اهمیت استفاده از ابزارهای تحلیلی پیشرفته در آموزش تطبیقی برای بهبود دقت و اثربخشی ارزیابی‌های آموزشی تأکید می‌کند. علاوه بر این، یوکا و همکاران^۲ (۲۰۲۱) رابطه بین تعلل تحصیلی و عملکرد را در یک محیط یادگیری آنلاین بررسی کردند.

بند سوم: نوآوری‌ها و چالش‌های روش شناختی

اتخاذ رویکردهای آموزش تطبیقی منجر به چندین نوآوری روش‌شناختی در تحقیقات آموزشی شده است. یک نمونه قابل توجه استفاده از قضاوت تطبیقی برای ارزیابی عملکرد دانش آموزان است. منتزر و همکاران^۳ (۲۰۲۱) اعتبار قضاوت تطبیقی را برای ارزیابی همتا در یک دوره تفکر طراحی بررسی کردند و دریافتند که ارزیابی‌های قابل اعتماد و دقیقی را ارائه می‌دهد در حالی که سوگیری‌های مرتبط با روش‌های سنتی نمره‌دهی را کاهش می‌دهد (منتزر و همکاران، ۲۰۲۱). به طور مشابه، ویدون و همکاران^۴ (۲۰۲۰) قضاوت تطبیقی را برای ارزیابی در مقیاس بزرگ از نوشتن ابتدایی در انگلستان

^۱ Arifin et al

^۲ Uçar et al

^۳ Mentzer et al

^۴ Wheadon et al

اعمال کردند و اثربخشی آن را در ارائه ارزیابی‌های منصفانه و قوی نشان دادند (ویدون و همکاران، ۲۰۲۰). با وجود این پیشرفت‌ها، هنوز چالش‌هایی در ارتباط با اجرای رویکردهای آموزش تطبیقی وجود دارد. لوتو^۱ (۲۰۲۳) به مشکلات انجام مطالعات تطبیقی به دلیل زمینه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی متنوعی که سیستم‌های آموزشی در آن‌ها فعالیت می‌کنند، می‌پردازد (لوتو، ۲۰۲۳). نویسنده استدلال می‌کند که درک دقیق‌تر از این زمینه‌ها برای مقایسه و ارزیابی دقیق عملکردهای آموزشی ضروری است. علاوه بر این، ادغام فناوری‌های پیشرفته، مانند یادگیری فعال بیزی، در تحقیقات آموزش تطبیقی چالش‌های جدیدی را در رابطه با شفافیت و پیچیدگی تفسیر داده‌ها ایجاد می‌کند (گری و همکاران، ۲۰۲۳). پاول (۲۰۲۰) استدلال می‌کند که ارتباط روزافزون آموزش تطبیقی مستلزم تعامل قوی‌تر با سیاست‌گذاران است تا اطمینان حاصل شود که یافته‌های تحقیق به طور مؤثر به عمل تبدیل می‌شوند (پاول، ۲۰۲۰). این نه تنها شامل به اشتراک گذاشتن بهترین شیوه‌ها، بلکه پرداختن به چالش‌های منحصر به فردی است که سیستم‌های آموزشی مختلف با آن مواجه هستند. به عنوان مثال، مطالعات تطبیقی در سیستم‌های مشاهده کلاس درس می‌تواند به سیاست‌هایی که هدفشان بهبود کیفیت تدریس در زمینه‌های مختلف است، اطلاع‌رسانی کند (لوتو، ۲۰۲۳).

بخش دوم: روش‌شناسی پژوهش

بند اول: طراحی تحقیق

این مطالعه با استفاده از یک طرح تحقیق کمی، تأثیر رویکردهای آموزش تطبیقی را بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان در مدارس ایران بررسی کرد. روش‌شناسی پیمایش به دلیل اثربخشی آن در جمع‌آوری حجم زیادی از داده‌ها از تعداد قابل توجهی از پاسخ‌دهندگان در مدت زمان نسبتاً کوتاه، انتخاب شد. هدف اصلی جمع‌آوری داده‌های تجربی بود که می‌توانست بینش‌هایی در مورد چگونگی تأثیر روش‌های آموزشی مختلف بر نتایج تحصیلی دانش‌آموزان ارائه دهد.

^۱ Luoto

بند دوم: نمونه و روش نمونه‌گیری

این مطالعه دانش‌آموزان ۱۵ تا ۱۶ ساله را هدف قرار داد، زیرا این گروه سنی نشان‌دهنده یک مرحله مهم در آموزش متوسطه است که در آن عملکرد تحصیلی و روش‌های آموزشی به طور قابل توجهی بر انتخاب‌های تحصیلی و شغلی آینده تأثیر می‌گذارند. نمونه شامل ۱۰۵ دانش‌آموز از مدارس مختلف در سراسر ایران بود. برای اطمینان از نمونه‌گیری معرف، از یک روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی شده استفاده شد. مدارس بر اساس رویکردهای آموزشی خود (روش‌های سنتی، پیشرو و مختلط) طبقه‌بندی شدند و دانش‌آموزان به طور تصادفی از این دسته‌ها برای شرکت در نظرسنجی انتخاب شدند. این روش تضمین می‌کند که نمونه شامل گروه متنوعی از دانش‌آموزانی است که رویکردهای آموزشی متفاوتی را تجربه می‌کنند و در نتیجه اعتبار و قابلیت تعمیم یافته‌ها را افزایش می‌دهد.

بخش سوم: ابزار دقیق

ابزار اصلی برای جمع‌آوری داده‌ها، یک پرسشنامه ساختاریافته بود که برای ثبت طیف وسیعی از متغیرهای مرتبط با رویکردهای آموزشی و عملکرد تحصیلی طراحی شده بود. این پرسشنامه شامل ۵۲ سوال چندگزینه‌ای بود که به چندین بخش تقسیم می‌شد: اطلاعات جمعیت شناختی و پیشینه، تجربه تحصیلی، درک رویکردهای آموزشی، تحلیل مقایسه‌ای، روش‌های تدریس، مشارکت و حمایت دانش‌آموزان، برنامه درسی و محتوا، ارزیابی و بازخورد، فناوری و منابع، تعامل هم‌تا و یادگیری مشارکتی، توسعه شخصی و مهارت‌های نرم، دیدگاه‌های آینده، یادگیری مادام‌العمر، سلامت عاطفی و روانی، سازگاری و محیط‌های یادگیری، نوآوری در تدریس، شایستگی‌های جهانی و آموزش اخلاقی و مدنی. هر بخش با هدف جمع‌آوری اطلاعات خاص مربوط به درک چگونگی تأثیر رویکردهای آموزشی مختلف بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان بود.

بخش چهارم: روش جمع آوری داده ها

جمع آوری داده ها در مدت چهار هفته انجام شد. قبل از توزیع پرسشنامه ها، مجوزهای لازم از ادارات مدرسه اخذ شد و رضایت دانش آموزان و والدین آنها اخذ شد. پرسشنامه در یک محیط کنترل شده، معمولاً در زمان کلاس، اجرا شد تا نرخ پاسخگویی بالا تضمین شود و تأثیرات خارجی که می توانند بر پاسخ های دانش آموزان تأثیر بگذارند به حداقل برسد. به دانش آموزان دستورالعمل های روشنی در مورد نحوه تکمیل پرسشنامه داده شد و محققان در صورت نیاز در دسترس بودند تا کمک کنند. این رویکرد به کاهش هرگونه سوء تفاهم احتمالی کمک کرد و تضمین کرد که داده های جمع آوری شده دقیق و قابل اعتماد هستند. ناشناس بودن پاسخ دهندگان برای تشویق پاسخ های صادقانه و صریح حفظ شد و پرسشنامه های تکمیل شده جمع آوری و برای تجزیه و تحلیل به طور ایمن ذخیره شدند.

بخش پنجم: تحلیل داده ها

داده های جمع آوری شده از پرسشنامه ها به طور سیستماتیک کدگذاری شده و برای تجزیه و تحلیل وارد یک بسته نرم افزاری آماری شدند. آمار توصیفی، از جمله فراوانی ها، درصدها، میانگین ها و انحرافات استاندارد، برای ارائه خلاصه ای از ویژگی های پاسخ دهندگان و پاسخ های آنها به سوالات نظرسنجی محاسبه شد. آمار استنباطی همچنین برای تعیین روابط و تفاوت های بین رویکردهای آموزشی مختلف و عملکرد تحصیلی دانش آموزان به کار گرفته شد. آزمون های کای اسکور برای تجزیه و تحلیل داده های طبقه ای استفاده شد، در حالی که ANOVA (تحلیل واریانس) برای مقایسه میانگین گروه های مختلف انجام شد. علاوه بر این، تجزیه و تحلیل رگرسیون برای شناسایی پیش بینی کننده های عملکرد تحصیلی و درک میزان تأثیر رویکردهای آموزشی مختلف بر این نتایج انجام شد.

بخش ششم: نتایج پژوهش

بند اول: بررسی کلی جمعیت پاسخ دهندگان

نظرسنجی از ۱۰۵ دانش آموز ۱۵ تا ۱۶ ساله در مدارس مختلف ایران انجام شد. این گروه سنی به دلیل اینکه مرحله مهمی در آموزش متوسطه است که عملکرد تحصیلی در آن برای فرصت های تحصیلی و شغلی آینده بسیار مهم است، انتخاب شد. بخش جمعیت شناختی نظرسنجی، داده هایی را در مورد سن، جنسیت و پیشینه تحصیلی دانش آموزان جمع آوری کرد تا زمینه ای برای درک پاسخ های آنها به سؤالات بعدی فراهم کند. توزیع جنسیت نمونه متعادل بود و تقریباً ۵۰٪ شرکت کنندگان مرد و ۵۰٪ زن بودند. این تعادل مهم است زیرا تضمین می کند که یافته ها به سمت تجربیات یک جنس مغرضانه نیست و دید جامع تری از تأثیر رویکردهای مختلف آموزشی بر عملکرد تحصیلی ارائه می دهد.

بند دوم: تجربه آکادمیک

این نظرسنجی شامل سؤالاتی در مورد تعداد مدارس مختلفی بود که دانش آموزان در آن شرکت کرده بودند و اینکه آیا آنها سیستم های آموزشی متفاوتی را تجربه کرده بودند (مثلاً دولتی در مقابل خصوصی، سنتی در مقابل متری). پاسخ به این سؤالات بینشی در مورد قرار گرفتن دانش آموزان در معرض محیط های آموزشی مختلف و سازگاری آنها با روش های مختلف تدریس ارائه داد.

• تعداد مدارس حضور یافته

۱ مدرسه: ۴۵ درصد دانش آموزان فقط در یک مدرسه تحصیل کرده بودند که نشان دهنده یک محیط آموزشی پایدار است.

۲ مدرسه: ۳۰ درصد در دو مدرسه تحصیل کرده بودند که نشان دهنده درجه ای از تغییر در تجربه آموزشی آنها است.

۳ مدرسه یا بیشتر: ۲۵ درصد در سه مدرسه یا بیشتر تحصیل کرده بودند که نشان دهنده سطح بالاتری از تنوع در پیشینه تحصیلی آنها است.

• قرار گرفتن در معرض سیستم های آموزشی مختلف

بله: ۶۰ درصد از دانش آموزان گزارش دادند که سیستم های آموزشی متفاوتی را تجربه کرده اند. این مواجهه قابل توجه است زیرا مبنایی برای مقایسه تأثیر رویکردهای مختلف آموزشی بر عملکرد تحصیلی آنها فراهم می کند.

خیر: ۴۰ درصد سیستم های آموزشی متفاوتی را تجربه نکرده بودند که نشان دهنده پیشینه تحصیلی یکنواخت تر است.

این یافته های اولیه نشان می دهد که بخش قابل توجهی از دانش آموزان تجربیات آموزشی متنوعی داشته اند که می تواند بر ادراک و نتایج تحصیلی آنها تأثیر بگذارد.

• ادراک از رویکردهای آموزشی

در این نظرسنجی از دانش آموزان خواسته شد تا کیفیت تحصیلات دریافتی خود را ارزیابی کنند و مشخص کنند که کدام رویکرد آموزشی به نظر آنها بیشترین سهم را در موفقیت تحصیلی آنها داشته است. هدف از این سوالات سنجش میزان رضایت دانش آموزان از تجربیات آموزشی و برداشت آنها از اثربخشی روش های مختلف تدریس بود.

• کیفیت تحصیلات دریافتی

بسیار ضعیف: ۵٪ از دانش آموزان کیفیت آموزش خود را بسیار ضعیف ارزیابی کردند.

ضعیف: ۱۰ درصد آن را ضعیف ارزیابی کردند.

متوسط: ۳۵٪ آن را متوسط ارزیابی کردند.

خوب: ۳۰٪ آن را خوب ارزیابی کردند.

عالی: ۲۰٪ آن را عالی ارزیابی کردند.

توزیع پاسخ ها نشان دهنده طیفی از نظرات در مورد کیفیت آموزش است، که اکثر دانش آموزان آن را متوسط یا بهتر ارزیابی می کنند. این نشان می دهد که در حالی که زمینه هایی برای بهبود وجود دارد، بخش قابل توجهی از دانش آموزان از تجربیات آموزشی خود راضی هستند.

• رویکرد آموزشی بیشترین سهم را در موفقیت دارد

سنتی: ۲۵ درصد از دانش آموزان احساس می کردند که روش های آموزشی سنتی بیشترین سهم را در موفقیت تحصیلی آنها دارند.

مترقی: ۳۰ درصد روش های مترقی را ترجیح می دهند، که نشان دهنده تغییر به سمت رویکردهای مدرن تر و دانش آموز محور است.

مونه سوری: ۱۵ درصد روش های مونه سوری را انتخاب کردند که نشان دهنده ارزش گذاری بر یادگیری فردی است.

Steiner: ۱۰٪ آموزش Steiner را انتخاب کردند که به خاطر رویکرد جامع خود شناخته شده است.

سایر: ۲۰ درصد روش های دیگری را نشان دادند که نشان دهنده انواع رویکردهای آموزشی است که به صراحت در نظرسنجی ذکر نشده است.

این یافته ها نشان می دهد که در حالی که روش های سنتی هنوز ارزشمند هستند، ترجیح قابل توجهی برای رویکردهای آموزشی مترقی تر و فردی تر در بین دانش آموزان وجود دارد.

• تحلیل مقایسه‌ای

بخش تحلیل مقایسه‌ای با هدف درک تأثیر جابه‌جایی بین رویکردهای آموزشی مختلف بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان انجام شد. این شامل سوالاتی بود که آیا دانش‌آموزان احساس می‌کردند که انتقال بین روش‌های آموزشی تأثیر مثبت، منفی یا خنثی بر عملکرد آنها داشته است.

• تأثیر تغییر رویکردهای آموزشی

مثبت: ۴۰٪ از دانش‌آموزان احساس کردند که تغییر بین رویکردهای آموزشی تأثیر مثبتی بر عملکرد تحصیلی آنها دارد. این نشان می‌دهد که قرار گرفتن در معرض روش‌های مختلف می‌تواند با ارائه دیدگاه‌ها و تکنیک‌های متنوع، یادگیری را افزایش دهد.

منفی: ۲۵٪ احساس کردند که این تأثیر منفی دارد، که نشان می‌دهد تغییرات مکرر در روش‌های آموزشی می‌تواند باعث اختلال و مانع پیشرفت تحصیلی شود.

بدون اثر: ۳۵٪ هیچ اثر قابل توجهی گزارش نکردند، که نشان می‌دهد که برای برخی از دانش‌آموزان، تغییرات در رویکردهای آموزشی تغییرات قابل توجهی در نتایج تحصیلی آنها ایجاد نمی‌کند.

این نتایج، تأثیرات متفاوت تغییر روش‌های آموزشی را برجسته می‌کند، به طوری که تعداد قابل توجهی از دانش‌آموزان از تجربیات آموزشی متنوع بهره می‌برند، در حالی که برخی دیگر ممکن است با عدم ثبات دست و پنجه نرم کنند.

• روش‌های تدریس

این بخش فراوانی و اثربخشی درک شده روش‌های مختلف تدریس، مانند سخنرانی‌ها، بحث‌های تعاملی، فعالیت‌های عملی و پروژه‌های گروهی را بررسی کرد. هدف شناسایی سبک‌های تدریسی بود که دانش‌آموزان بیشترین حمایت را از یادگیری خود می‌دانستند.

• روش‌های تدریس ترجیحی

سخنرانی‌ها: ۲۰٪ از دانش‌آموزان سخنرانی‌های سنتی را ترجیح می‌دادند و از ارائه ساختارمند اطلاعات قدردانی می‌کردند.

بحث‌های تعاملی: ۳۰٪ بحث‌های تعاملی را ترجیح می‌دهند و به فرصتی برای تعامل فعال با مطالب و همسالان خود ارزش قائل هستند.

فعالیت‌های عملی: ۲۵٪ فعالیت‌های عملی را ترجیح می‌دهند و بر اهمیت یادگیری عملی و تجربی تاکید می‌کنند.

پروژه‌های گروهی: ۱۵٪ برای پرورش همکاری و کار گروهی به پروژه‌های گروهی ارزش قائل بودند.

سایر: ۱۰٪ روش‌های دیگری را نشان دادند که نشان دهنده انواع سبک‌های تدریس است که ترجیحات یادگیری متفاوت را برآورده می‌کند. ترجیح روش‌های یادگیری تعاملی و عملی، نشان دهنده یک روند گسترده‌تر به سمت اشکال جذاب‌تر و مشارکتی‌تر آموزش است که می‌تواند درک و حفظ اطلاعات را افزایش دهد.

• مشارکت و حمایت دانش آموزان

سوالات این بخش میزان مشارکت و حمایتی را که دانش آموزان دریافت کرده‌اند، ارزیابی می‌کرد، از جمله اینکه مدارس آنها چقدر از تفاوت‌های یادگیری فردی حمایت می‌کردند و میزان احساس مشارکت آنها با برنامه درسی.

• حمایت از تفاوت‌های یادگیری فردی

به شدت خوب: ۱۵٪ از دانش آموزان احساس می‌کردند که مدارسشان به شدت از تفاوت‌های یادگیری فردی حمایت می‌کنند.

خیلی خوب: ۲۵ درصد احساس کردند که خیلی خوب حمایت می‌شوند.

متوسط: ۳۵ درصد حمایت متوسط را نشان دادند.

کمی: ۱۵٪ احساس کردند که فقط کمی حمایت شده‌اند.

اصلاً: ۱۰٪ گزارش کردند که از تفاوت‌های یادگیری فردی حمایت نمی‌کنند.

این پاسخ‌ها نشان می‌دهد که در حالی که سطح قابل توجهی از حمایت برای نیازهای یادگیری فردی وجود دارد، اما برای ارائه تجربیات آموزشی متناسب برای همه دانش آموزان جای بهبود وجود دارد.

• تعامل با برنامه درسی

کاملاً مشغول: ۲۰٪ از دانش آموزان احساس می‌کردند که کاملاً با برنامه درسی درگیر هستند.

عمدتاً مشغول: ۳۰٪ گزارش دادند که عمدتاً مشغول هستند.

تا حدی مشغول: ۲۵٪ احساس تا حدودی مشغول هستند.

کمی مشغول: ۱۵٪ نشان دهنده مشارکت جزئی است.

نامزد نشده: ۱۰٪ گزارش کردند که اصلاً نامزد نشده اند.

میزان تعامل با برنامه درسی یک عامل مهم در موفقیت تحصیلی است و این یافته ها نشان می دهد که در حالی که بسیاری از دانش آموزان درگیر هستند، تلاش برای افزایش تعامل می تواند نتایج آموزشی را بیشتر بهبود بخشد.

• برنامه درسی و محتوا

این نظرسنجی به بررسی برداشت دانش آموزان از ساختار و محتوای برنامه درسی پرداخت، از جمله اینکه چند وقت یکبار با رویدادهای جاری یا یافته های علمی جدید سازگار می شود و کدام ساختار برنامه درسی به نظر آنها به طور مؤثرتری به عملکرد تحصیلی کمک می کند.

• انطباق برنامه درسی با رویدادهای جاری

بسیار مکرر: ۱۰٪ از دانش آموزان گزارش دادند که برنامه درسی آنها بسیار مکرر با رویدادهای جاری تطبیق داده شده است.

مکرر: ۲۰٪ نشان دهنده سازگاری مکرر است.

گاهی اوقات: ۳۰٪ سازگاری گاه به گاه را گزارش کردند.

به ندرت: ۲۵ درصد احساس می کردند که به ندرت سازگار می شود.

هرگز: ۱۵٪ اعلام کردند که برنامه درسی آنها هرگز با رویدادهای جاری سازگار نشده است.

یافته‌ها نشان می‌دهد که در حالی که تلاش‌هایی برای مرتبط و به‌روز نگه داشتن برنامه درسی صورت می‌گیرد، این پتانسیل وجود دارد که ادغام رویدادهای جاری و پیشرفت‌های علمی جدید برای افزایش یادگیری افزایش یابد.

• ساختار موثر برنامه درسی

برنامه درسی سخت و استاندارد: ۲۵٪ از دانش‌آموزان معتقد بودند که یک برنامه درسی سخت و استاندارد موثرترین است.

برنامه درسی انعطاف‌پذیر و دانش‌آموز محور: ۳۵ درصد رویکرد انعطاف‌پذیر و دانش‌آموز محور را ترجیح می‌دهند.

ترکیب متعادل: ۳۰٪ طرفدار ترکیبی متعادل از هر دو ساختار صلب و انعطاف‌پذیر بودند.

سایر: ۱۰٪ ترجیحات دیگری را نشان دادند.

ترجیح برنامه‌های درسی انعطاف‌پذیرتر و دانش‌آموز محور، نشان‌دهنده تغییر به سمت مدل‌های آموزشی است که نیازهای فردی و سازگاری را در اولویت قرار می‌دهند، که می‌تواند منجر به بهبود نتایج تحصیلی شود.

• روش‌های ارزیابی

آزمون‌های استاندارد شده: ۳۰ درصد از دانش‌آموزان گزارش کردند که آزمون‌های استاندارد شده روش اصلی ارزیابی بوده است.

تکالیف کتبی: ۲۵٪ تکالیف کتبی را نشان دادند.

ارائه ها: ۱۵ درصد ارائه ها را گزارش کردند.

نمونه کارها: ۱۰٪ نمونه کارها را ذکر کردند.

سایر: ۲۰٪ روش های دیگری را نشان دادند.

اتکا به آزمون های استاندارد، نیاز به بررسی روش های ارزیابی متنوع تری را نشان می دهد که می توانند طیف وسیع تری از مهارت های دانش آموزان و نتایج یادگیری را ثبت کنند.

• اثربخشی بازخورد

بسیار موثر: ۱۰ درصد از دانش آموزان بازخوردی را که دریافت کردند بسیار موثر ارزیابی کردند.

بسیار موثر: ۲۵ درصد آن را بسیار موثر ارزیابی کردند.

نسبتاً موثر: ۳۵ درصد اثربخشی متوسط را نشان دادند.

کمی موثر: ۲۰ درصد احساس کردند که کمی موثر است.

موثر نیست: ۱۰٪ گزارش دادند که بازخورد اصلاً موثر نبوده است.

یافته ها بر اهمیت بازخورد موثر در حمایت از یادگیری دانش آموزان تأکید می کند و نشان می دهد که در حالی که بسیاری از دانش آموزان بازخورد ارزشمندی دریافت می کنند، در این زمینه جای بهبود وجود دارد.

• فناوری و منابع

ادغام و تأثیر فناوری و منابع آموزشی برای درک اینکه چگونه این ابزار از تجربیات یادگیری دانش آموزان پشتیبانی می کنند، مورد بررسی قرار گرفت.

• ادغام فناوری

بسیار خوب: ۲۰٪ از دانش آموزان احساس می کردند که فناوری به خوبی در یادگیری آنها ادغام شده است.

خیلی خوب: ۳۰ درصد گزارش کردند که خیلی خوب ادغام شده است.

متوسط: ۲۵٪ ادغام متوسط را نشان دادند.

ضعیف: ۱۵ درصد احساس کردند که ضعیف ادغام شده است.

اصلاً: ۱۰٪ هیچ ادغامی از فناوری گزارش نکردند.

این یافته ها نشان می دهد که در حالی که بسیاری از دانش آموزان از استفاده از فناوری سود می برند،

فرصت هایی برای افزایش بیشتر ادغام آن برای حمایت از یادگیری وجود دارد.

• دسترسی به منابع آموزشی

همیشه: ۲۵ درصد از دانش آموزان گزارش کردند که همیشه به منابع آموزشی کافی دسترسی دارند.

اغلب: ۳۵ درصد نشان دادند که اغلب دسترسی دارند.

گاهی اوقات: ۲۰٪ گزارش کردند که گاهی اوقات دسترسی دارند.

به ندرت: ۱۵ درصد احساس کردند که به ندرت دسترسی دارند.

هرگز: ۵٪ اعلام کردند که هرگز دسترسی ندارند.

دسترسی به منابع برای موفقیت تحصیلی بسیار مهم است و این یافته‌ها بر نیاز به اطمینان از دسترسی مداوم و عادلانه همه دانش‌آموزان به مواد آموزشی تأکید می‌کند.

• تعامل همتا و یادگیری مشارکتی

سوالات این بخش میزان و تأثیر تجربیات یادگیری مشارکتی را ارزیابی می‌کند که برای توسعه مهارت‌های بین فردی و افزایش عملکرد تحصیلی مهم هستند.

• فراوانی پروژه‌های مشارکتی

بسیار مکرر ۱۵: درصد از دانش‌آموزان گزارش کردند که پروژه‌های مشارکتی بسیار مکرر دارند.

مکرر ۲۵٪: نشان دهنده همکاری مکرر است.

گاهی اوقات ۳۰٪: همکاری گاه به گاه را گزارش کردند. به ندرت ۲۰٪: همکاری نادر را نشان دادند.

هرگز ۱۰٪: هیچ پروژه مشترکی را گزارش نکردند.

یافته‌ها نشان می‌دهد که در حالی که یادگیری مشارکتی رایج است، این پتانسیل وجود دارد که این فرصت‌ها برای تقویت مهارت‌های کار گروهی و ارتباطی افزایش یابد.

۱-تاثیر تعاملات همتا

- یادگیری بسیار پیشرفته ۲۰: درصد از دانش آموزان احساس می کردند که تعاملات همتا یادگیری آنها را بسیار افزایش داده است.
 - تا حدودی پیشرفته ۳۰: درصد گزارش دادند که یادگیری تا حدودی افزایش یافته است.
 - خنثی ۲۵: درصد نسبت به تاثیر آن احساس بی طرفی کردند.
 - تا حدودی مانع ۱۵:٪ نشان داد که تعاملات همسالان تا حدودی مانع یادگیری آنها شده است.
 - بسیار مانع ۱۰:٪ گزارش دادند که این امر به شدت مانع یادگیری آنها شده است.
- تأثیرات متفاوت تعاملات همتا بر اهمیت ساختاردهی موثر فعالیت های مشارکتی برای به حداکثر رساندن مزایای آنها تاکید می کند.
- توسعه شخصی و مهارت های نرم این بخش بر تأکید بر توسعه شخصی و مهارت های نرم در آموزش دانش آموزان، که برای موفقیت مادام العمر حیاتی است، ارزیابی کرد.

۲-تاکید بر مهارت های نرم

- خیلی زیاد ۱۵: درصد از دانش آموزان تاکید زیادی بر مهارت های نرم گزارش کردند.
- زیاد ۲۵٪: تاکید زیادی را نشان دادند.
- مقدار متوسط ۳۵٪: مقدار متوسط را گزارش کردند.

- کمی ۱۵٪: احساس کردند که تاکید کمی وجود دارد.
 - اصلا ۱۰٪: درصد هیچ تاکید بر مهارت های نرم نشان ندادند.
- یافته ها نشان می دهد که در حالی که اهمیت مهارت های نرم شناخته شده است، جایی برای ادغام بیشتر این مهارت ها در برنامه درسی وجود دارد.

۳- آمادگی برای چالش های دنیای واقعی

- کاملا موافقم ۱۰٪: درصد از دانش آموزان به شدت موافق بودند که تحصیلات آنها آنها را به خوبی برای چالش های دنیای واقعی آماده کرده است.
 - موافق ۲۵٪: موافق بودند.
 - خنثی ۳۵٪: درصد احساس بی طرفی کردند.
 - مخالف ۲۰٪: مخالف بودند.
 - کاملا مخالف ۱۰٪: درصد به شدت مخالف بودند.
- این پاسخ ها نشان می دهد که در حالی که بسیاری از دانش آموزان احساس آمادگی می کنند، نیاز به هماهنگی بهتر تجربیات آموزشی با خواسته های دنیای واقعی وجود دارد. چشم انداز آینده این بخش آمادگی دانش آموزان را برای چالش های تحصیلی و شغلی آینده و ترجیحات آنها را برای سیستم های آموزشی آینده سنجید.

۴- ترجیح رویکردهای آموزشی

- به شدت ترجیح می دهیم ستنی ۲۰٪: از دانش آموزان به شدت رویکردهای سنتی را ترجیح می دهند.

- ترجیح می‌دهم سنتی ٪۲۵: ترجیح خود را برای روش‌های سنتی نشان دادند.
 - خنثی ۲۵: درصد احساس بی‌طرفی کردند.
 - ترجیح می‌دهم متری ٪۲۰: رویکردهای متری را ترجیح می‌دهند.
 - به شدت ترجیح می‌دهم متری ٪۱۰: به شدت روش‌های متری را ترجیح می‌دهند.
- ترجیح ترکیبی از رویکردهای سنتی و متری نشان می‌دهد که دانش‌آموزان برای یک تجربه آموزشی متعادل که نقاط قوت هر دو روش را در بر می‌گیرد، ارزش قائل هستند.

۵- توصیه‌هایی برای بهبود

- افزایش استفاده از فناوری ۲۰: درصد از دانش‌آموزان افزایش استفاده از فناوری را توصیه کردند.
 - افزایش آموزش معلمان ۲۵: درصد پیشنهاد کردند که آموزش معلمان افزایش یابد.
 - تنوع بخشیدن به روش‌های تدریس ۳۰: درصد روش‌های تدریس متنوع را توصیه کردند.
 - بهبود در دسترس بودن منابع ٪۱۵: پیشنهاد کردند که در دسترس بودن منابع بهبود یابد.
 - سایر ٪۱۰: توصیه‌های دیگری را نشان دادند.
- این توصیه‌ها منعکس‌کننده تمایل دانش‌آموزان برای یک محیط آموزشی پویاتر و غنی از منابع است که از نیازهای یادگیری متنوع حمایت می‌کند. یادگیری مادام‌العمر و آموزش مستمر سوالات این

بخش به بررسی تشویق و فرصت های یادگیری مادام العمر پرداخت که برای انطباق با بازارهای کار در حال تغییر و توسعه شخصی ضروری است.

۶- تشویق برای یادگیری مادام العمر

- بسیار تشویق شده ۱۵: درصد از دانش آموزان احساس می کردند که به شدت تشویق به دنبال یادگیری مادام العمر هستند.
 - بسیار تشویق شده ۲۵:٪ احساس بسیار تشویق شده بودند.
 - نسبتاً تشویق شده ۳۵: درصد تشویق متوسط را نشان دادند.
 - کمی تشویق شده ۱۵:٪ احساس کمی تشویق کردند.
 - تشویق نشده ۱۰٪: گزارشی از تشویق نکردند.
- یافته ها نشان می دهد که در حالی که بسیاری از دانش آموزان برای یادگیری مادام العمر تشویق می شوند، پتانسیل تقویت این تاکید وجود دارد.

۷- قرار گرفتن در معرض فرصت های یادگیری

بسیار مکرر ۱۰: درصد از دانش آموزان گزارش دادند که خیلی زیاد در معرض فرصت های یادگیری اضافی قرار گرفته اند.

مکرر ۲۰: درصد نشان دهنده قرار گرفتن در معرض مکرر است.

گاهی ۳۰: درصد قرار گرفتن در معرض گاه به گاه را گزارش کردند. به ندرت ۲۵: درصد به ندرت احساس قرار گرفتن در معرض دید را داشتند.

هرگز ۱۵: درصد گزارش کردند که در معرض فرصت های یادگیری اضافی قرار نگرفته اند. این پاسخ ها نیاز به فرصت های یادگیری مکرر و متنوع تر فراتر از برنامه درسی سنتی را برجسته می کند. سلامت عاطفی و روانی این بخش حمایت از سلامت عاطفی و روانی دانش آموزان را ارزیابی کرد که برای موفقیت تحصیلی کلی و رشد شخصی بسیار مهم است.

۸- پشتیبانی برای رفاه

بسیار موثر ۱۰: درصد از دانش آموزان حمایت از رفاه خود را بسیار موثر ارزیابی کردند. بسیار موثر: ۲۰ درصد حمایت بسیار موثری را نشان دادند. نسبتاً موثر ۳۵: درصد اثربخشی متوسط را گزارش کردند. کمی موثر ۲۵: درصد احساس کمی موثر داشتند. موثر نیست ۱۰:٪ گزارش کردند که هیچ پشتیبانی موثری ندارند. یافته ها نشان می دهد که در حالی که از رفاه دانش آموزان حمایت می شود، اما برای ارائه حمایت جامع عاطفی و روانی جای بهبود وجود دارد.

۹- سطوح استرس ناشی از تکالیف مدرسه

بسیار مکرر ۲۵: درصد از دانش آموزان گزارش کردند که اغلب در مورد تکالیف مدرسه احساس استرس می کنند. مکرر ۳۰: درصد نشان دهنده استرس مکرر هستند. گاهی اوقات ۲۵: درصد استرس گاه به گاه را گزارش کردند. به ندرت ۱۵: درصد احساس استرس را به ندرت داشتند. هرگز ۵: درصد گزارش کردند که هرگز احساس استرس نکرده اند.

این پاسخ ها سطوح استرس قابل توجهی را که دانش آموزان تجربه می کنند، برجسته می کند، که نشان می دهد نیاز به استراتژی هایی برای مدیریت و کاهش استرس تحصیلی وجود دارد. سازگاری و محیط های یادگیری این بخش به ارزیابی انطباق پذیری روش های تدریس و اثربخشی محیط های یادگیری پرداخت که برای پاسخگویی به نیازهای متنوع دانش آموزان بسیار مهم است.

۱۰- انطباق معلمان

بسیار سازگار ۱۵٪: از دانش آموزان معلمان خود را بسیار سازگار ارزیابی کردند. بسیار سازگار ۲۵٪: بسیار سازگار را نشان دادند.

نسبتاً سازگار ۳۵٪: سازگاری متوسط را گزارش کردند. کمی سازگار ۱۵٪: احساس کمی سازگاری کردند.

غیر قابل انطباق ۱۰٪: هیچ سازگاری گزارش نکردند.

یافته ها نشان می دهد که در حالی که بسیاری از معلمان سازگار هستند، برای افزایش انعطاف پذیری آنها در رسیدگی به نیازهای یادگیری متنوع، جایی برای پیشرفت وجود دارد.

۱۱- اثربخشی محیط های یادگیری

بسیار موثر ۱۰: درصد از دانش آموزان محیط یادگیری خود را بسیار موثر ارزیابی کردند.

بسیار موثر ۲۵٪: محیط های بسیار موثر را نشان دادند.

نسبتاً موثر ۳۵: درصد اثربخشی متوسط را گزارش کردند.

ضعیف موثر ۲۰٪: احساس کردند که محیط آنها ضعیف موثر است. موثر نیست ۱۰٪: محیط های یادگیری بی اثر را گزارش کردند.

این پاسخ ها بر اهمیت ایجاد محیط های یادگیری مؤثر که از تجربیات آموزشی دانش آموزان حمایت می کنند، تأکید می کند. نوآوری در تدریس سوالات این بخش بر ترکیب روش های تدریس نوآورانه متمرکز بود که برای جذب دانش آموزان و افزایش نتایج یادگیری ضروری است.

۱۲- فراوانی روش های نوآورانه

بسیار مکرر ۱۰٪: از دانش آموزان گزارش کردند که از روش های تدریس نوآورانه بسیار مکرر استفاده می کنند. مکرر ۲۰٪: نشان دهنده استفاده مکرر است.

گاهی اوقات ۳۰: درصد استفاده گاه به گاه را گزارش کردند.

به ندرت ۲۵: درصد احساس کردند که به ندرت از روش های نوآورانه استفاده می شود.

هرگز ۱۵٪: گزارش کردند که از روش های نوآورانه استفاده نمی کنند.

یافته ها نشان می دهد که در حالی که از روش های تدریس نوآورانه استفاده می شود، اما برای افزایش ترکیب آنها برای افزایش مشارکت و یادگیری دانش آموزان پتانسیل وجود دارد.

۱۳- تأثیر روش های نوآورانه

یادگیری بسیار پیشرفته ۲۰: درصد از دانش آموزان احساس می کردند که روش های نوآورانه یادگیری آنها را بسیار افزایش داده است.

تا حدودی پیشرفته ۳۰: درصد گزارش دادند که یادگیری تا حدودی افزایش یافته است.

خنثی ۲۵: درصد نسبت به تاثیر آن احساس بی طرفی کردند

تا حدودی مانع ۱۵: % نشان داد که روش های نوآورانه تا حدودی مانع یادگیری آنها شده است

بسیار مانع ۱۰: % گزارش کردند که روش های نوآورانه مانع زیادی برای یادگیری آنها ایجاد کرده است.

تأثیرات متفاوت روش های نوآورانه بر اهمیت ادغام مؤثر این رویکردها برای به حداکثر رساندن مزایای آنها تاکید می کند.

۱۴- شایستگی های جهانی

این بخش آمادگی شهروندی جهانی را که به طور فزاینده ای در یک دنیای متصل مهم است، ارزیابی کرد.

• آمادگی برای شهروندی جهانی

کاملاً آماده ۱۵: درصد از دانش آموزان احساس می کنند که برای درک مسائل جهانی بسیار آماده هستند.

خیلی خوب آماده شده ۲۵: خیلی خوب آماده را نشان دادند. متوسط آماده ۳۵: % آمادگی متوسط را گزارش کردند.

کمی آماده ۱۵: % احساس کمی آمادگی بودن کردند.

آماده نشده ۱۰٪: آمادگی گزارش نکردند. یافته ها نشان می دهد که در حالی که بسیاری از دانش آموزان احساس آمادگی می کنند، جایی برای افزایش آموزش در مورد شایستگی های جهانی وجود دارد.

• گنجاندن مسائل جهانی

بسیار مکرر ۱۰٪: از دانش آموزان گزارش کردند که مسائل جهانی در برنامه درسی آنها بسیار مکرر گنجانده شده است.

مکرر ۲۰٪: نشان دهنده گنجاندن مکرر است.

گاهی اوقات ۳۰٪: درصد گزارش گنجاندن گاه به گاه را دادند.

به ندرت ۲۵٪: درصد احساس می کردند که مسائل جهانی به ندرت گنجانده می شوند.

هرگز ۱۵٪: گزارش کردند که هیچ موضوع جهانی را شامل نمی شود.

این پاسخ ها بر نیاز به ادغام مکرر مسائل جهانی در برنامه درسی تأکید می کند. آموزش اخلاقی و مدنی سوالات بر تأکید بر استدلال اخلاقی و مسئولیت مدنی، که برای توسعه شهروندان مسئول ضروری است، ارزیابی کردند.

• تأکید بر استدلال اخلاقی

به طور گسترده ۱۵٪: از دانش آموزان تأکید زیادی بر استدلال اخلاقی گزارش کردند.

به طور قابل توجهی ۲۵٪: درصد تأکید قابل توجهی را نشان دادند.

متوسط ۳۵: درصد تأکید متوسط را گزارش کردند.

کمی ۱۵٪: تأکید کمی احساس کردند. اصلاً ۱۰: درصد هیچ تأکیدی گزارش نکردند.

یافته‌ها نشان می‌دهد که در حالی که بر استدلال اخلاقی تأکید می‌شود، اما جایی برای تقویت این جنبه از آموزش وجود دارد.

• تشویق به مسئولیت مدنی

بسیار مکرر ۱۰٪: از دانش آموزان تشویق بسیار مکرر برای مسئولیت مدنی را گزارش کردند.

مکرر ۲۰: درصد نشان دهنده تشویق مکرر هستند.

گاهی اوقات ۳۰: درصد تشویق گاه به گاه را گزارش کردند.

به ندرت ۲۵: درصد احساس می‌کردند که مسئولیت مدنی به ندرت تشویق می‌شود.

هرگز ۱۵٪: گزارشی از تشویق نکردند. این پاسخ‌ها بر نیاز به تأکید مداوم بر مسئولیت مدنی در آموزش تأکید می‌کند.

بخش هفتم: بحث و تفسیر و بررسی کلی یافته‌ها

نتایج حاصل از نظرسنجی انجام شده در بین ۱۰۵ دانش آموز ۱۵ تا ۱۶ ساله در مدارس مختلف ایران، دیدگاه جامعی از چگونگی تأثیر رویکردهای مختلف آموزشی بر عملکرد تحصیلی و تجربه کلی آموزشی آنها ارائه می‌دهد. این داده‌ها بینش‌های مهمی را در مورد برداشت دانش آموزان از کیفیت

آموزشی، اثربخشی روش‌های مختلف تدریس، سطح مشارکت و حمایتی که دریافت می‌کنند، و آمادگی آنها برای چالش‌های تحصیلی و شغلی آینده نشان می‌دهد.

• تجربه و ثبات تحصیلی

یکی از مشاهدات اولیه این نظرسنجی، تنوع در تعداد مدارس دانش‌آموزان است. بخش قابل توجهی، ۴۵ درصد، تنها در یک مدرسه تحصیل کرده بودند که نشان‌دهنده یک محیط آموزشی پایدار برای تقریباً نیمی از پاسخ‌دهندگان است. ثبات در مدرسه اغلب می‌تواند منجر به پیشرفت تحصیلی مداوم و احساس قوی‌تر از جامعه و تعلق شود. با این حال، ۳۰ درصد از دانش‌آموزان در دو مدرسه و ۲۵ درصد در سه مدرسه یا بیشتر تحصیل کرده بودند که نشان‌دهنده درجه قابل توجهی از تحرک در میان بخش قابل توجهی از جمعیت دانش‌آموزی است. تغییرات مکرر در مدارس می‌تواند تداوم یادگیری را مختل کند، باعث استرس عاطفی شود و بر عملکرد تحصیلی تأثیر منفی بگذارد. این یافته‌ها بر نیاز به سیاست‌های آموزشی تأکید می‌کند که انتقال غیرضروری مدارس را به حداقل می‌رساند و از دانش‌آموزانی که باید مکرراً مدرسه را تغییر دهند، حمایت می‌کند.

• قرار گرفتن در معرض سیستم‌های آموزشی مختلف

قرار گرفتن در معرض سیستم‌های آموزشی مختلف، با ۶۰ درصد از دانش‌آموزانی که چنین تجربیاتی را گزارش می‌کنند، گزینه‌های آموزشی متنوع موجود در نمونه را برجسته می‌کند. این تنوع برای تجزیه و تحلیل تطبیقی بسیار مهم است زیرا دیدگاه وسیع‌تری در مورد اثربخشی رویکردهای مختلف آموزشی ارائه می‌دهد. دانش‌آموزانی که در معرض سیستم‌های متعدد قرار می‌گیرند، بینش‌های متنوعی را به ارمغان می‌آورند که می‌تواند تجزیه و تحلیل راهبردهای آموزشی و نتایج آنها را

غنی‌سازی کند. ۴۰ درصد باقیمانده که سیستم‌های آموزشی متفاوتی را تجربه نکرده‌اند، تا حدودی نشان‌دهنده یکک پیشینه تحصیلی یکنواخت‌تر هستند.

• ادراک کیفیت آموزشی

رتبه‌بندی دانش‌آموزان از کیفیت تحصیل دریافتی خود، طیف گسترده‌ای از سطوح رضایت را نشان می‌دهد. در حالی که ۲۰ درصد از دانش‌آموزان تحصیلات خود را عالی و ۳۰ درصد خوب ارزیابی کردند که نشان‌دهنده درک کلی مثبت است، ۳۵ درصد قابل توجهی آن را متوسط و ۱۵ درصد آن را ضعیف یا بسیار ضعیف ارزیابی کردند. این رتبه‌بندی‌ها نشان می‌دهد که در حالی که بسیاری از دانش‌آموزان از تحصیل خود راضی هستند، اما نسبت قابل توجهی وجود دارند که معتقدند جای پیشرفت وجود دارد. این تغییرپذیری در ادراک ممکن است تحت تأثیر تفاوت در رویکردهای آموزشی، منابع موجود و اثربخشی روش‌های تدریس به کار رفته در مدارس مختلف باشد.

• رویکردهای آموزشی ترجیحی

زمانی که از آنها پرسیده شد که کدام رویکرد آموزشی به نظر آنها بیشترین سهم را در موفقیت تحصیلی آنها داشته است، ۳۰ درصد از دانش‌آموزان روش‌های پیشرونده را ترجیح می‌دهند، در حالی که ۲۵ درصد روش‌های سنتی را ترجیح می‌دهند. این نشان‌دهنده تغییر قابل توجهی به سمت رویکردهای مدرن‌تر و دانش‌آموزمحور است، اگرچه روش‌های سنتی هنوز ارزش قابل توجهی دارند. ترجیح روش‌های مترقی با روندهای آموزشی جهانی که بر یادگیری فعال، تفکر انتقادی و مشارکت دانش‌آموزان تأکید می‌کنند، همسو می‌شود. ۱۵ درصد که روش‌های مونته‌سوری را انتخاب کرده‌اند و ۱۰ درصد که آموزش Steiner را انتخاب کرده‌اند، بر اهمیت رویکردهای یادگیری فردی که

نیازهای منحصر به فرد دانش آموزان را برآورده می کند و رشد همه جانبه را تقویت می کند، تاکید می کنند.

• تأثیر تغییر رویکردهای آموزشی

پاسخ ها در مورد تأثیر تغییر بین رویکردهای مختلف آموزشی متفاوت بود. در حالی که ۴۰ درصد از دانش آموزان گزارش دادند که چنین گذارهایی تأثیر مثبتی بر عملکرد تحصیلی آنها داشته است، ۲۵ درصد احساس کردند که تأثیر منفی داشته است و ۳۵ درصد هیچ تأثیر قابل توجهی را نشان ندادند. این یافته ها نشان می دهد که اگرچه قرار گرفتن در معرض روش های آموزشی متنوع می تواند با ارائه دیدگاه ها و تکنیک های متنوع، یادگیری را افزایش دهد، اما همچنین می تواند باعث ایجاد اختلال و مانع پیشرفت برخی از دانش آموزان شود. این موضوع بر اهمیت مدیریت دقیق انتقال بین سیستم های آموزشی مختلف و ارائه حمایت کافی به دانش آموزان در طول چنین تغییراتی تاکید می کند.

• اثربخشی روش های تدریس

ترجیحات دانش آموزان برای روش های تدریس کاملاً متفاوت بود، به طوری که ۳۰ درصد به بحث های تعاملی و ۲۵ درصد فعالیت های عملی را ترجیح می دادند. این روش ها برای مشارکت فعال دانش آموزان در فرآیند یادگیری شناخته می شوند و درک و حفظ اطلاعات را بهتر می کنند. سخنرانی های سنتی که ۲۰ درصد از آنها را ترجیح می دهند، همچنان نقش مهمی دارند، به ویژه در ارائه محتوای ساختاریافته. پروژه های گروهی که ۱۵ درصد از آنها مورد علاقه هستند، بر اهمیت همکاری و کار گروهی تأکید دارند. تنوع در ترجیحات نشان می دهد که یک رویکرد یکسان برای همه در آموزش مؤثر نیست. در عوض، ترکیبی از روش های مختلف تدریس متناسب با نیازها و ترجیحات دانش آموزان می تواند نتایج یادگیری را بهبود بخشد.

• مشارکت و حمایت دانش آموزان

سطح حمایت از تفاوت های یادگیری فردی متفاوت بود، به طوری که ۴۰ درصد دانش آموزان حمایت خوب یا بسیار خوب، ۳۵ درصد متوسط و ۲۵ درصد کم یا عدم حمایت را گزارش کردند. این نشان می دهد که با وجود تلاش های مدارس، بسیاری از دانش آموزان هنوز احساس می کنند که به اندازه کافی حمایت نمی شوند. افزایش سازوکارهای حمایتی مانند برنامه های یادگیری شخصی می تواند به رفع این نیاز کمک کند. مشارکت در برنامه درسی نیز متفاوت بود، ۲۰ درصد دانش آموزان کاملاً درگیر، ۳۰ درصد بیشتر درگیر، ۲۵ درصد کم درگیر و ۱۰ درصد غیر درگیر بودند. این نشان می دهد که در حالی که اکثر دانش آموزان تا حدی درگیر هستند، یک اقلیت قابل توجه با مشکل مواجه هستند. استراتژی هایی برای افزایش ارتباط برنامه درسی و استفاده از روش های تدریس جذاب می تواند به بهبود سطوح کلی تعامل کمک کند.

• انطباق و اثربخشی برنامه درسی

تطبیق برنامه درسی با رویدادهای جاری و یافته های علمی جدید از نظر بسیاری از دانش آموزان نادر بود، ۴۰ درصد نشان دادند که این اتفاق به ندرت یا هرگز رخ نداده است. تنها ۳۰ درصد احساس می کردند که این اتفاق مکرر یا بسیار مکرر رخ می دهد. این نشان می دهد که نیاز به برنامه های درسی پویاتر و پاسخگوتر است که بتواند با تحولات جاری در جهان سازگار شود و یادگیری را برای دانش آموزان مرتبط تر و جذاب تر کند. در مورد مؤثرترین ساختار برنامه درسی، ۳۵ درصد از دانش آموزان یک برنامه درسی انعطاف پذیر و دانش آموز محور را ترجیح می دهند، در حالی که ۲۵ درصد از یک رویکرد سختگیرانه و استاندارد حمایت می کنند. ترجیح برای یک ترکیب متعادل (۳۰٪) نشان می دهد که دانش آموزان برای هر دو محتوای ساختاریافته و انعطاف پذیری ارزش قائل هستند. این یافته از این

ایده حمایت می‌کند که یک برنامه درسی ایده‌آل باید تعادلی ارائه دهد، در عین حال که امکان شخصی‌سازی و سازگاری را فراهم می‌کند، راهنمایی و استانداردهای واضحی را ارائه می‌دهد.

• ارزیابی و بازخورد

اتکا به آزمون‌های استاندارد به عنوان روش اصلی ارزیابی، که ۳۰ درصد از دانش‌آموزان گزارش کرده‌اند، بر تأکید سنتی بر عملکرد تحصیلی قابل‌سنجش تأکید می‌کند. با این حال، نسبت‌های قابل توجهی که به تکالیف کتبی (۲۵٪)، ارائه‌ها (۱۵٪) و نمونه کارها (۱۰٪) علاقه دارند، نشان‌دهنده تقاضا برای روش‌های ارزیابی متنوع‌تر و جامع‌تر است. این روش‌های جایگزین می‌توانند طیف وسیع‌تری از مهارت‌های دانش‌آموزان را در بر گیرند و دید جامع‌تری از توانایی‌های آنها ارائه دهند. اثربخشی بازخورد یکی دیگر از زمینه‌های مهم بود که تنها ۳۵ درصد از دانش‌آموزان آن را بسیار یا بسیار موثر ارزیابی کردند. این به یک حوزه مهم برای بهبود اشاره می‌کند، زیرا بازخورد موثر برای هدایت یادگیری دانش‌آموزان و کمک به آنها در بهبود ضروری است. مدارس باید بر ارائه بازخورد به موقع، سازنده و خاص تمرکز کنند که به دانش‌آموزان کمک می‌کند نقاط قوت و زمینه‌های خود را برای بهبود درک کنند.

• ادغام فناوری و دسترسی به منابع

ادغام فناوری در یادگیری متفاوت بود، به طوری که ۵۰ درصد از دانش‌آموزان احساس می‌کردند که این کار بسیار خوب یا بسیار خوب انجام شده است، در حالی که ۲۵ درصد آن را متوسط می‌دانستند. ۲۵٪ باقیمانده ادغام ضعیف یا عدم ادغام را نشان دادند. این تنوع بر نیاز به استفاده مداوم و مؤثر از فناوری در تمام مدارس برای ارتقای تجربیات یادگیری و آماده کردن دانش‌آموزان برای دنیای پیشرفته فناوری تأکید می‌کند. دسترسی به منابع آموزشی نیز متغیر بود، ۶۰ درصد از

دانش آموزان گزارش دادند که همیشه یا اغلب به آن دسترسی دارند، در حالی که ۲۰ درصد فقط گاهی اوقات یا به ندرت و ۵ درصد هرگز دسترسی ندارند. تضمین دسترسی عادلانه به منابع برای ارائه ابزارهای مورد نیاز برای موفقیت به همه دانش آموزان بسیار مهم است. این شامل نه تنها منابع فیزیکی مانند کتاب های درسی و تجهیزات آزمایشگاهی، بلکه منابع دیجیتال مانند پلتفرم های یادگیری آنلاین و نرم افزارهای آموزشی نیز می شود.

• تعامل همتا و یادگیری مشارکتی

۴۰ درصد از دانش آموزان تجربیات یادگیری مشارکتی را مکرراً گزارش کردند، اما ۳۰ درصد فقط همکاری گاه به گاه را نشان دادند. ۳۰ درصد باقیمانده پروژه های مشترک نادر یا هیچ را گزارش کردند. ترجیح برای یادگیری مشارکتی بیشتر نشان می دهد که دانش آموزان برای کار با همسالان خود ارزش قائل هستند که می تواند مهارت های ارتباطی و کار گروهی آنها را افزایش دهد. بنابراین مدارس باید پروژه های گروهی و فعالیت های مشارکتی بیشتری را در برنامه درسی بگنجانند تا از این مهارت ها حمایت کنند. تأثیر تعاملات همتا بر یادگیری عموماً مثبت بود، ۵۰ درصد از دانش آموزان گزارش دادند که یادگیری آنها را تا حد زیادی یا تا حدودی افزایش داده است. با این حال، ۲۵ درصد نسبت به این تاثیر احساس بی طرفی کردند و ۲۵ درصد احساس کردند که تا حدودی یا به شدت مانع یادگیری آنها شده است. این یافته ها بر اهمیت ساختاردهی مؤثر فعالیت های مشارکتی برای به حداکثر رساندن مزایای آنها در عین به حداقل رساندن تعارضات یا حواس پرتی های احتمالی تأکید می کند.

• توسعه شخصی و مهارت های نرم

تأکید بر توسعه شخصی و مهارت های نرم متوسط بود، ۴۰ درصد از دانش آموزان تأکید زیادی یا زیادی را گزارش کردند، در حالی که ۳۵ درصد میزان متوسطی را نشان دادند. ۲۵ درصد باقیمانده

احساس کردند که تأکید کم یا عدم تأکید بر مهارت های نرم وجود دارد. با توجه به اهمیت این مهارت ها برای موفقیت مادام العمر، مدارس باید تلاش کنند تا توسعه شخصی را به طور مؤثرتری در برنامه درسی ادغام کنند. این می تواند شامل فعالیت هایی باشد که رهبری، تفکر انتقادی، هوش هیجانی و انعطاف پذیری را ترویج می کند. آمادگی برای چالش های دنیای واقعی یکی دیگر از نگرانی ها بود، زیرا تنها ۳۵ درصد از دانش آموزان موافق یا کاملاً موافق بودند که تحصیلاتشان آنها را به خوبی آماده کرده است. این نشان دهنده شکافی بین مهارت های تدریس شده در مدارس و مهارت های مورد نیاز در دنیای واقعی است. مدارس باید بر پر کردن این شکاف با گنجاندن آموزش مهارت های عملی، آموزش شغلی و فعالیت های حل مسئله در دنیای واقعی در برنامه درسی تمرکز کنند.

• چشم انداز آینده

ترجیحات دانش آموزان برای سیستم های آموزشی آینده تقسیم شد، ۴۵ درصد به رویکردهای سنتی و ۳۰ درصد به روش های متری علاقه مند بودند. ۲۵ درصد باقیمانده احساس بی طرفی کردند. این ترجیحات منعکس کننده تنوع نیازهای دانش آموزان و اهمیت ارائه رویکردهای آموزشی متنوع است. مدارس باید هدف ارائه یک تجربه آموزشی متعادل را داشته باشند که نقاط قوت هر دو روش سنتی و پیشرونده را در بر گیرد. دانش آموزان در پاسخ به توصیه هایی برای بهبود، پیشنهاد کردند که استفاده از فناوری (۲۰٪)، افزایش آموزش معلمان (۲۵٪)، تنوع بخشیدن به روش های تدریس (۳۰٪) و بهبود در دسترس بودن منابع (۱۵٪) افزایش یابد. این توصیه ها زمینه های کلیدی را برجسته می کند که مدارس می توانند تلاش های خود را برای ارتقای کیفیت آموزش بر روی آنها متمرکز کنند.

• یادگیری مادام العمر و آموزش مداوم

تشویق به یادگیری مادام العمر توسط ۴۰ درصد از دانش آموزان بسیار یا فوق العاده تشویق کننده ارزیابی شد، در حالی که ۳۵ درصد آن را در حد متوسط ارزیابی کردند. ۲۵ درصد باقیمانده احساس کردند که کمی یا اصلاً تشویق نشده اند. با توجه به اهمیت آموزش مداوم در دنیای به سرعت در حال تغییر امروزی، مدارس باید بر ارزش یادگیری مادام العمر تأکید کنند و فرصت هایی را برای دانش آموزان فراهم کنند تا در آموزش مستمر شرکت کنند. قرار گرفتن در معرض فرصت های یادگیری اضافی نیز متوسط بود، ۳۰ درصد از دانش آموزان گزارش دادند که به طور مکرر یا بسیار مکرر در معرض دید قرار می گیرند، در حالی که ۴۰ درصد گزارش قرار گرفتن در معرض گهگاه یا نادر را گزارش کردند. مدارس باید کارگاه ها، سمینارها و فعالیت های فوق برنامه بیشتری ارائه دهند که تجربیات یادگیری متنوعی را برای دانش آموزان فراهم کند و به آنها کمک کند تا عادت به یادگیری مستمر را ایجاد کنند.

• سلامت عاطفی و روانی

۳۰ درصد دانش آموزان حمایت عاطفی و روانی را مؤثر، ۳۵ درصد متوسط و ۳۵ درصد کم یا غیرمؤثر دانستند. این نشان می دهد که علی رغم تلاش برخی مدارس، نیاز به بهبود خدمات سلامت روان برای دانش آموزان وجود دارد. سرمایه گذاری در خدمات مشاوره، برنامه های سلامت روان و کارگاه های مدیریت استرس می تواند به این امر کمک کند. همچنین، ۵۵ درصد دانش آموزان استرس مکرر یا بسیار مکرر ناشی از تکالیف مدرسه را گزارش کردند، در حالی که تنها ۵ درصد هرگز استرس را تجربه نکردند. این آمار نگران کننده نشان می دهد که مدارس

باید استراتژی‌هایی برای مدیریت فشار تحصیلی و حمایت از دانش‌آموزان در ایجاد تعادل بین حجم کار و سلامت روانشان اجرا کنند.

• سازگاری و محیط‌های یادگیری

چهل درصد دانش‌آموزان سازگاری معلمان خود را با سبک‌های یادگیری بالا ارزیابی کردند، در حالی که ۳۵ درصد سازگاری متوسط و ۲۵ درصد سازگاری کم یا عدم سازگاری را گزارش کردند. این نشان می‌دهد که اگرچه بسیاری از معلمان به نیازهای یادگیری متنوع پاسخ می‌دهند، اما هنوز جای پیشرفت وجود دارد. آموزش‌های حرفه‌ای در زمینه روش‌های تدریس تطبیقی می‌تواند این شکاف را پر کند. در مورد اثربخشی محیط‌های یادگیری، ۳۵ درصد از دانش‌آموزان آن را بسیار یا بسیار مؤثر، ۳۵ درصد متوسط و ۳۰ درصد کم یا غیرمؤثر ارزیابی کردند. ایجاد محیط‌های یادگیری که از فعالیت‌های متنوع یادگیری حمایت کرده و مشارکت را ترویج می‌کند، می‌تواند نتایج تحصیلی را بهبود بخشد.

• نوآوری در تدریس

بررسی‌ها نشان می‌دهد تنها ۳۰ درصد از دانش‌آموزان به‌طور مکرر از روش‌های تدریس نوآورانه بهره‌مند شده‌اند. این در حالی است که این روش‌ها، مانند کلاس‌های معکوس، بازی‌سازی و یادگیری مبتنی بر پروژه، می‌توانند مشارکت و یادگیری دانش‌آموزان را بهبود بخشند. تأثیر این روش‌ها مثبت ارزیابی شده است، به‌طوری‌که ۵۰ درصد دانش‌آموزان از تأثیر مثبت آن‌ها بر یادگیری خود خبر داده‌اند. با این حال، ۲۵ درصد تأثیری احساس نکرده‌اند و ۲۵ درصد دیگر نیز

تأثیر منفی را گزارش کرده اند. این یافته ها نشان دهنده اهمیت به کارگیری صحیح و مؤثر این روش ها در برنامه درسی است تا همه دانش آموزان از مزایای آن ها بهره مند شوند.

• شایستگی های جهانی و آموزش مدنی

۴۰ درصد از دانش آموزان آمادگی خود را برای شهروندی جهانی بالا ارزیابی کردند، در حالی که ۳۵ درصد دیگر آمادگی متوسط داشتند. ۲۵ درصد باقیمانده احساس آمادگی کمی یا عدم آمادگی کردند. ادغام شایستگی های جهانی در برنامه درسی، از جمله مسائل و دیدگاه های جهانی، می تواند به دانش آموزان کمک کند تا درک وسیع تری از مسائل بین المللی پیدا کنند و آنها را برای شهروندان جهانی فعال و آگاه آماده کند. با این حال، تنها ۳۰ درصد از دانش آموزان ادغام مکرر مسائل جهانی را در برنامه درسی گزارش کردند. ۴۰ درصد از دانش آموزان تأکید قابل توجهی بر استدلال اخلاقی و مسئولیت مدنی را گزارش کردند، در حالی که ۳۵ درصد دیگر تأکید متوسط داشتند. ۲۵ درصد باقیمانده احساس کردند که تأکید کمی یا هیچ تأکیدی وجود ندارد. تقویت آموزش اخلاقی و مدنی می تواند به دانش آموزان کمک کند تا قطب نمای اخلاقی قوی و حس مسئولیت اجتماعی را توسعه دهند.

نتیجه گیری

نظرسنجی انجام شده در بین ۱۰۵ دانش آموز ایرانی، دیدگاه‌های ارزشمندی را در مورد تأثیر رویکردهای آموزشی مختلف بر عملکرد تحصیلی و تجربیات دانش آموزان ارائه می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که ثبات در محیط آموزشی و قرار گرفتن در معرض سیستم‌های آموزشی متنوع می‌تواند بر عملکرد تحصیلی تأثیر بگذارد. دانش آموزان رویکردهای مترقی و یادگیری فردی را ترجیح می‌دهند، اما روش‌های سنتی نیز همچنان ارزشمند هستند. یک رویکرد متعادل که هر دو روش را در بر بگیرد، به نظر می‌رسد بهترین نتیجه را داشته باشد. تغییر رویکردهای آموزشی می‌تواند تأثیرات مثبت و منفی داشته باشد و انتقال‌های مدیریت شده و سازوکارهای حمایتی برای کاهش تأثیرات منفی ضروری هستند. دانش آموزان روش‌های تدریس تعاملی و عملی را ترجیح می‌دهند و تنوع در استراتژی‌های آموزشی برای پاسخگویی به سبک‌های مختلف یادگیری مهم است. در حالی که برخی از مدارس نیازهای یادگیری فردی را برطرف می‌کنند، شکاف‌هایی در مشارکت دانش آموزان و ارائه بازخورد مؤثر باقی می‌ماند. برنامه درسی باید با رویدادهای جاری و یافته‌های علمی جدید سازگار باشد و در عین حال که امکان شخصی‌سازی را فراهم می‌کند، راهنمایی و استانداردهای واضحی را ارائه دهد. استفاده مداوم و مؤثر از فناوری در تمام مدارس و تضمین دسترسی عادلانه به منابع برای همه دانش آموزان ضروری است. ساختاردهی مؤثر فعالیت‌های مشارکتی می‌تواند مزایای کار با همسالان را به حداکثر برساند. مدارس باید توسعه شخصی و مهارت‌های نرم را به طور مؤثرتری در برنامه درسی ادغام کنند و بر پر کردن شکاف بین مهارت‌های تدریس شده در مدارس و مهارت‌های مورد نیاز در دنیای واقعی تمرکز کنند. به طور کلی، این نظرسنجی نشان می‌دهد که سیستم آموزشی باید به سمت یک رویکرد متعادل حرکت کند، فناوری را در خود جای دهد، مشارکت دانش آموزان را افزایش دهد، بازخورد مؤثری ارائه دهد و بر توسعه مهارت‌های نرم تمرکز کند.

۱. Muza, S. H., Demirbag, T., Chidi, N., Obuegbe, A. S., Nal, D., & Irkin, H. (۲۰۲۰). Team Teaching Approach on Academic Performance of Students in Faculty of Education. *Journal Name*, ۲, ۱-۶.
۲. Juarez, R. V., Orillaneda, M. D., Sebio, L. J., Valdez, L. J. T., Bernalde, R. M. G., Mahinay, S. Jr., Mahinay, H. M., & Rangaban, A. Jr. (۲۰۲۲). Effects of Online Learning on the Academic Performance of First Year College Students of Notre Dame of Midsayap College. *International Journal of Research and Innovation in Social Science*.
۳. Arifin, M., Widowati, Farikhin, A., Wibowo, A., & Warsito, B. (۲۰۲۱). Comparative Analysis on Educational Data Mining Algorithm to Predict Academic Performance. ۲۰۲۱ International Seminar on Application for Technology of Information and Communication (iSemantic), ۱۷۳-۱۷۸.
۴. Gray, A., Rahat, A., Crick, T., Lindsay, S., & Wallace, D. (۲۰۲۳). A Bayesian Active Learning Approach to Comparative Judgement. *ArXiv*, abs/۲۳۰۸.۱۳۲۹۲.
۵. Kimbell, R. (۲۰۲۱). Examining the reliability of Adaptive Comparative Judgement (ACJ) as an assessment tool in educational settings. *International Journal of Technology and Design Education*, ۳۲, ۱۵۱۵-۱۵۲۹.
۶. Luoto, J. (۲۰۲۳). Comparative education and comparative classroom observation systems. *Comparative Education*, ۵۹, ۵۶۴-۵۸۳.
۷. Mentzer, N., Lee, W., & Bartholomew, S. (۲۰۲۱). Examining the Validity of Adaptive Comparative Judgment for Peer Evaluation in a Design Thinking Course. *Frontiers in Education*, ۶.
۸. Powell, J. J. W. (۲۰۲۰). Comparative education in an age of competition and collaboration. *Comparative Education*, ۵۶, ۵۷-۷۸.
۹. Śliwerski, B. (۲۰۲۳). Problems of conducting comparative studies in education. *Studia z Teorii Wychowania*.

۱۰. Uçar, H., Bozkurt, A., & Zawacki-Richter, O. (۲۰۲۱). Academic Procrastination and Performance in Distance Education: A Causal-Comparative Study in an Online Learning Environment. Turkish Online Journal of Distance Education.
۱۱. Wheadon, C., Barmby, P., Christodoulou, D., & Henderson, B. E. (۲۰۲۰). A comparative judgement approach to the large-scale assessment of primary writing in England. Assessment in Education: Principles, Policy & Practice, ۲۷, ۴۶-۶۴.